خاطره‏هاى ماندگار

شيخ مفيد

سعيده غروى

ابوعبدالله محمد بن نعمان حارثى بغدادى، معروف به شيخ مفيد، در سال 336 ه . ق، در عكبراى بغداد متولد شد. پدر بزرگوارش در شهر واسط به تعليم و تعلم و تدريس مشغول بود؛ به همين دليل شيخ مفيد معروف به ابن معلم گرديد.

هنگامى كه سن طفوليت را پشت سر گذاشت و در خواندن و نوشتن مهارت پيدا كرد، پدرش او را به بغداد كه مهد علم بود، فرستاد. او به سرعت در مجلس درس شيخ ابى عبدالله الحسين بن على شركت كرد و نيز از محضر درس ابى ياسر در علم كلام و عقايد بهره جست. در اثناى درس ابو ياسر بود كه استاد به او پيشنهاد كرد در مجلس درس متكلم بزرگ «على بن عيسى الرمانى المعتزلى» شركت نمايد و او فوراً به اين كار اقدام نمود. او فقه را نزد «جعفر بن محمد بن قولويه» فرا گرفت. از ديگر استادان او مى‏توان به «محمد بن عمران مرزبانى»، «ابن حمزه طبرى»، «شيخ صدوق»، «صفوان»، «ابن داود قمى» اشاره كرد.(1)

صحيفه‏هاى سبز

دفتر زندگى معلم امت، شيخ مفيد، صحيفه‏اى سپيد و نورانى است كه دستخط مبارك سلاله ياسين حضرت بقيةالله الاعظم (ارواح العالمين له الفداء) در آن به چشم مى‏خورد. اول بار در سال 416 ه . ق، نامه‏اى از جانب حضرت براى شيخ فرستاده شد، به اين مضمون: «للاخ السّديد و الولىّ الرشيد الشيخ المفيد...»(2)

و در نامه‏اى ديگر حضرت، شيخ مفيد را «يارى كننده حق و دعوت كننده به سوى حق» خوانده و او را مفتخر به اين القاب مى‏نمايد.

خواب عجيب‏

نقل مى‏كنند، مقام معنوى شيخ مفيد در حدّى بود كه در خواب افتخار ديدار دخت رسول الله (صلى‏الله‏عليه‏وآله) را يافت. وى در خواب ديد كه حضرت زهرا (عليهاالسلام) عزيزان خود امام حسن و امام حسين (عليهم‏السلام) را نزد او آورد و خطاب به شيخ فرمود: اى شيخ به اين دو فقه بياموز.

شيخ حيرت زده از خواب برخاست و مدتى را در تحير گذراند، تا آن كه خوابش تعبير گرديد و مادر سيد مرتضى و سيد رضى را ديد كه دست فرزندان خود را گرفته و به نزد شيخ آمده و مى‏گويد: اى شيخ به اين دو فقه بياموز و بدين سان شاگردان معروف ايشان «الشريف الرضى، محمد بن الحسين» و «الشريف المرتضى على بن الحسين» در مجلس درس او حضور يافتند.

اختلاف در مسأله فقهى‏

«آن گاه كه در مسأله‏اى فقهى بين استاد و شاگرد، شيخ مفيد و سيد مرتضى، اختلاف نظر پيش آمد و با بحث و ارائه دليل مشكل حل نشد، هر دو راضى به قضاوت امام اميرالمؤمنين على (عليه‏السلام) شدند. مسأله را بر كاغذى نوشته و بالاى ضريح مقدّس حضرت گذاردند. صبح روز بعد كه كاغذ را برداشتند، دستخطى مزيّن به چنين نوشته‏اى ديدند: «انت شيخى و معتمدى و الحقّ مع ولدى علم الهدى»

(اى شيخ) تو مورد اطمينان من هستى و (لكن در اين مسأله) حق با فرزندم (سيد مرتضى)، علم الهدى است.»(3)

شخصيت معنوى و مقام علمى او در آن حد اعلى بود كه بزرگان شيعه و سنى لب به ثناى او گشودند و او را فقيه، عادل، تيزهوش، مؤلفى زبردست، پاسدار علم، فروتن و نابغه عراق، نادره آفاق و... خواندند.

اعيان الشيعه خصوصيات وى را چنين برمى‏شمرد:

«كثير الصدقات، عظيم الخشوع، كثير الصلاة و الصوم، حسن اللباس، كثير التقشف و التخشع و الاكباب على طلب العلم، ما كان ينام فى الليل الا هجعة ثم فى قيام الصلاة و...»(4)

آثار

بزرگان شيعه آثار بسيارى را از اين عالم متعهد و فرزانه انديشمند، برمى‏شمرند؛ به طورى كه اعيان الشيعه، 195 اثر از آثار او را نام مى‏برد،(5) ليكن در اين جا به ذكر برخى از آثار ارزشمند اين فقيه فرزانه بسنده مى‏كنيم:

1- المقنعه فى الفقه‏

2- الاركان فى دعائم الدين‏

3- الايضاح فى الامامة

4- الافصاح فى الامة

5- الارشاد

6- العيون و المحاسن‏

7- الردّ على الجاحظ و العثمانيه‏

8- نقض المروانية

9- نقض فضيلة المعتزلة

10- المسائل الصاغانية

11- مسائل النضم‏

12- مختصر فى الغيبة

و...

غروب غم انگيز

سال 413 ه . ق، خورشيد وجود پر فروغ شيخ مفيد به خاموشى گراييد و شيعيان از پرتو افكارش محروم شدند.

شاگرد بزرگوارش، سيد مرتضى، در ميدان اشنان بغداد بر پيكر پاكش نماز گزارد و به خاك سپرد. سپس به حرم كاظمين (عليهم‏السلام) منتقل و در مقبره قريش، در پايين پاى امام جواد (عليه‏السلام) و در كنار استادش، ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولويه قمى، مدفون گرديد.(6)

روح پرفتوحش قرين رحمت الهى باد.

پى‏نوشت‏ها:

1) ر.ك: اعيان الشيعه، ج 9، ص 420.

2) گلشن ابرار، ج 1، ص 55.

3) گلشن ابرار، ج 1، ص 56.

4) اعيان الشيعه، ج 9، ص 422.

5) اعيان الشيعه، ج 9، ص 422 و 423.

6) ر.ك: اعيان الشيعه، ج 9، ص 420.